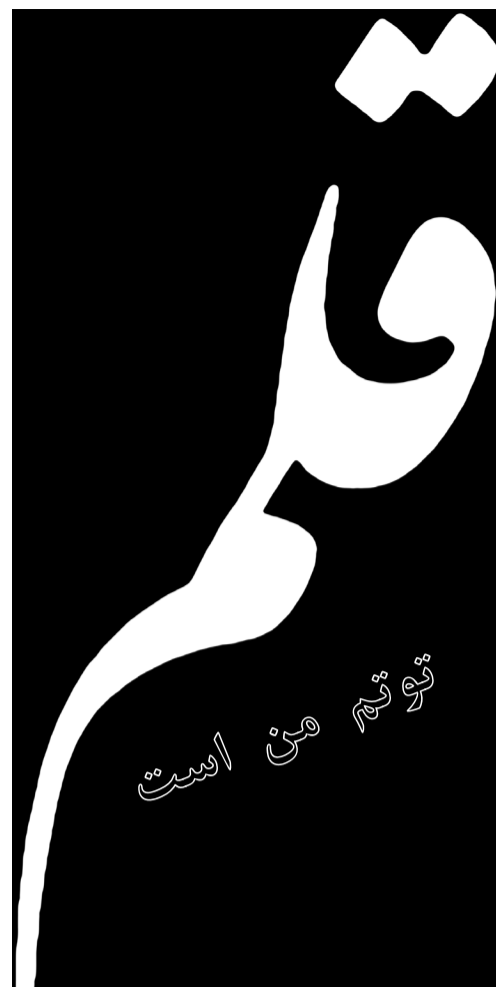


یادگار امام...



نشریه ی مستقل دانشجویی
سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
سال اول، شماره ی دوم

شماره ی مجوز: ۹۴۳۴۷۵
سر دبیر و مدیر مسئول: محمد سعید ابراهیمی

هیئت تحریریه:

آقایان: سیدسعید حبیب‌زاده، آبتین نورانی،
محمدصادق اکبری، محمدسعید ابراهیمی

خانم‌ها: الهه‌سادات حسینی، صالحه رضایی،
فاطمه حسن‌زاده

طراح و صفحه آرا: ابوالفضل عباسی، احمد قربانی پور

سرمقاله
محمدسعید ابراهیمی (حقوق ۹۲)

یادگار امام

تاریخ معلم انسان هاست. (امام خمینی)
جمله ی فوق از امام راحل، مبین اهمیت وافر مطالعه ی تاریخ و عبرت آموختن از تاریخ، این بزرگ معلم انسان هاست. چرا که رویدادهای تاریخی همواره با چهره ای دیگر در حال تکرار است و در این میانه، نیک روزی از آن کسی است که بر وقایع تاریخی وقوف یافته، از آن درس بگیرد.

اگر انسانی تاریخ بداند، به اندازه ی اشراف و آگاهی اش به تاریخ، عمر دارد چرا که تجربیاتی که طی سالیان متمادی و با مرارت فراوان و اکثرا با اتکاء بر روش پرهزینه «آزمون و خطا» حاصل شده است را به راحتی از طریق تورتق صفحات تاریخ و بررسی تطورات آن، به دست می آورد.

امروزه و با توجه به وجود منابع تاریخی فراوان و سهولت دسترسی به این منابع، چنانچه افرادی در مقابل این معلم سترگ، زانوی تلمذ نزنند و از آن توشه برنگیرند مصداق «گدای کاهل» خواهند بود و مورد ملامت آیندگان قرار خواهند گرفت. با توجه به آنچه در بادی نوشتار از نظر گذشت، ضرورت تاریخ پژوهی، امری واضح و میرهن می نماید. سلسله مطالعات تاریخی، انسان را به این نکته رهنمون می سازند که در طول

همین مثال فوق، عده ای از شیعیان امام هادی(ع) به واسطه ی اینکه جعفر کذاب فرزند امام بود، گرد او مجتمع گشتند حال آنکه اگر اینان از ماجرای پسر نوح عبرت می آموختند، کورکورانه طریق متابعت از وی در پیش نمی گرفتند و به صرف امامزاده بودن وی، عنان اختیار خویش در کف او قرار نمی دادند. ظهر چند موارد فوق الذکر نیز به تعبیری که ذکر آن رفت، تاریخ معاصر محسوب می شوند؛ اما برای ملموس تر شدن آن، شاهد مثالی از تاریخ انقلاب می آوریم که همانا عاقبت سید حسین خمینی نوه ارشد امام راحل است که پس از احراز ماهیت پلید بنی صدر باز هم دست از حمایت وی نکشید و حتی در مشهد به ایراد سخنرانی در دفاع از بنی صدر پرداخت که مردم خشمگین به سوی او یورش می بردند و او نیز در واکنش به این اقدام دست به سلاح گرم می برد که بازداشت می شود و حضرت امام(ره) دستور انتقال وی به تهران را می دهند و خاطر نشان می نمایند که در صورتی که دست به اسلحه برد وی را با تیر بزنند.

آری، حکومت اسلامی با هیچ فرد یا گروهی رودربایستی ندارد خواه آن فرد جعفر بن علی، فرزند امام هادی(ع) باشد خواه، یادگار بنیان گذار انقلاب اسلامی. فلذا آنچه که مطمح نظر است کارنامه ی هر فردیست و نه نسب و نژاد وی. به تعبیر نظامی گنجوی:

جایی که بزرگ بایدت بود

فرزندی من ندارت سود

تاریخ یک سلسله قوانین ثابت به مانند قوانین فیزیک و شیمی و... وجود دارد که می توان نام «سنن تاریخی» بر آن نهاد. تعداد این سنن به قدری است که کسی را یارای احصاء تمامی آن ها نیست. اینک اما در این اندک مجال برآنیم تا به یکی از عبرت های تاریخی که همواره خیل کثیری از عامه مردم در اثر بی توجهی به آن، دچار خطای محاسباتی و خسران شده اند، بپردازیم و آن عبارت است از این که قرابت نسبی ملازمه ای با قرابت فکری ندارد. ای بسا پدران صالحی چون نوح(ع) که فرزندان طالح داشته اند و چه بسیار فرزندان نیک سرشتی که سر از دامان خانواده ای ناصالح برآورده اند. تراژدی «پسر نوح» یک سرال دنباله دار است که در همان مقطع زمانی پایان نیافت و در طول تاریخ ادامه یافته است. بسیار بوده اند کسانی که در اثر هم نشینی با بدان، خاندان نبوت، گم کرده اند. نمونه ی دیگر از انحراف آقا زاده ها از خط اصیل پدران، جعفر بن علی، فرزند امام هادی(ع) است که پس از شهادت این امام همام، به ناحق ادعای امامت نمود در حالیکه امامت از آن امام حسن عسکری(ع) بود و در تاریخ تشیع ملقب به «جعفر کذاب» گشت فلذا هیچکس نمی تواند به صرف پیوند خویشاوندی با انسان های وارسته، خود را در حصن حصین و حاشیه ی امنیت تصور نماید.

به گفته ی بندیتو کروچه: «هر تاریخی، تاریخ معاصر است». فلذا چنانچه همگان از عبرت های تاریخی، پند گیریم تراژدی های تاریخی، دیگر بار و در پس چهره ای دیگر رخ نخواهد نمود. در

نصرا... می گفت: یک جان دارم که می خواهم در راه اسلام فدا کنم

بغضمان نسبت به افراد با توجه به نسبت آن ها با جبهه ی حق و عدالت است. ایشان با بیان گوشه ای از خساراتی که کشور از جانب آخوندهای فاسد متحمل شده است خاطر نشان کردند که در برهه ای از زمان، برخی از اینها تحصیل در مدارس را حرام اعلام کردند که حاصل این امر، آن بود که بهایی زادگان تحصیل کرده پس از چندی، تمامی مناصب حکومتی را قبضه کردند و بر مقتدرات ملت مسلمان، حاکم گشتند.

حاج فضل... برهانی ضمن تشبیه انقلاب اسلامی به بوته های گل، نسبت به خطر علف های هرزی که مانع رشد و نمو شایسته و بایسته ی گلستان انقلاب می شوند هشدار دادند.

ایشان در ادامه، یکی از برکات انقلاب اسلامی را گردهمایی عظیم اربعین دانسته، قدرت مجالس عزاداری سیدالشهدا را به مراتب بیشتر از جنگ افزارهای مدرن دنیای استکبار، عنوان کردند.

ایشان همچنین، رابطه ی یهود با مسلمانان را، عداوت دیرینه ای توصیف کردند که کماکان نیز استمرار دارد به گونه ای که در جریان نبرد اسرائیل با مصر و تصرف صحرای سینا، رژیم صهیونیستی طی صدور اعلامیه ای، این امر را پاسخی به شکست یهودیان در جنگ خیبر و نوعی انتقام گیری از مسلمانان عنوان کرد.

این پدر شهید، در ادامه، به بیان نحوه ی شهادت فرزند رشیدش پرداخته، بیان داشت که این شهید والا مقام پس از سپری شدن سه ماه از مدت سربازی اش، از ادامه ی این روند استتکاف کرد و از قصد خود مبنی بر شکستن شاخ های رژیم که همانا کارخانجات مشروب سازی بود، پرده برداشت.

نصرا... می گفت: یک جان دارم که می خواهم در راه اسلام فدا کنم و در آخرین عملیات خود هنگامی که قصد منهدم نمودن باشگاه شبانه افسران در شهر چالوس را داشت، به تصرف دژخیمان درآمده به درجه ی رفیع شهادت، نائل آمد.

ایشان میدان نبرد امروز را جنگ اقتصادی و فرهنگی برشمرده، ضمن ناکارآمد دانستن سیستم آموزشی فعلی، به ضرورت بارور کردن استعدادهای نوجوانان و آموزش حرف در مدارس تأکید ورزیدند تا از این رهگذر، جوانان، پس از فراغت از تحصیل، دغدغه ی اشتغال نداشته باشند.

| محمدسعید ابراهیمی - حقوق ۹۲ |

انگلستان برای زدودن روحیه ی جهادی و انقلابی از شیعیان عنوان کرده و افزودند: همانگونه که وهابیت، نسخه ای انحرافی از تستن است بهائیت نیز قرائتی غیر اصیل از تشیع می باشد. در دوران پهلوی اکثر پست های کلیدی در اختیار بهائیان بود و حتی دکتر ایادی، پزشک مخصوص شاه نیز یک بهایی بود.

ایشان رزق حلال و عزاداری امام حسین(ع) را دو عامل مهم و تأثیر گذار در رشد و نمو انسان های وارسته در زمانی که فسق و فجور توسط رژیم، ترویج می شد دانسته، به طراحی های بهائیان برای آلوده کردن لقمه ی ایرانیان اشاره کردند که از آن جمله، واردات فرآورده های گوشتی که در باغ وحش ها استفاده می شده است تا از این رهگذر، امکان پرورش انسان های

فرارسیدن ایام... دهه فجر، فرصت مغتنمست برای آشنایی بیشتر با حال و هوای دوران مبارزات انقلابی و زنده نمودن یاد و خاطره ی شهدای عزیز که در راه اعتلای کلمه...، جان پاک خود را در طبق اخلاص گذارده اند.

از این رو، بر آن شدیم مصاحبه ای با پدر شهید نصرا... برهانی، جناب آقای حاج فضل... برهانی، ترتیب دهیم. قرار مصاحبه برای صبح روز جمعه ۲۳ بهمن ماه، تعیین شده بود. پس از مراسم روح بخش دعای ندبه، فرصتی دست داد تا دقایقی با این مجاهد نستوه، به گفتگو بنشینیم.

ایشان دوره ی نوجوانی شهید برهانی را عجیب با فعالیت های قرآنی و مذهبی توصیف کردند و خاطر نشان کردند این فعالیت ها در دورانی رخ می داد که فضای عمومی جامعه، به واسطه ی اقدامات رژیم منحوس پهلوی، آکنده از فساد و تباهی بود و اکثر جوانان به دنبال عیاشی و لهو و لعب بودند.

ایشان شکل گیری ساواک را امری مشابه با تشکیل ارتش سرخ شوروی (که متشکل از افرادی با نسب های غیر پاکیزه بودند) دانسته، عنوان کردند که بیشتر نیروهای ساواک، افرادی بودند که دوران کودکی خود را در پرورشگاه هایی سپری کرده بودند که زیر نظر دربار اداره می شده و هزینه های جاری آن از محل بلیط های بخت آمیز و عواید قمارخانه ها، تأمین می شده است و این لقمه های حرام، قساوت قلبی را موجب شد که در تاریخ کم سابقه بود.

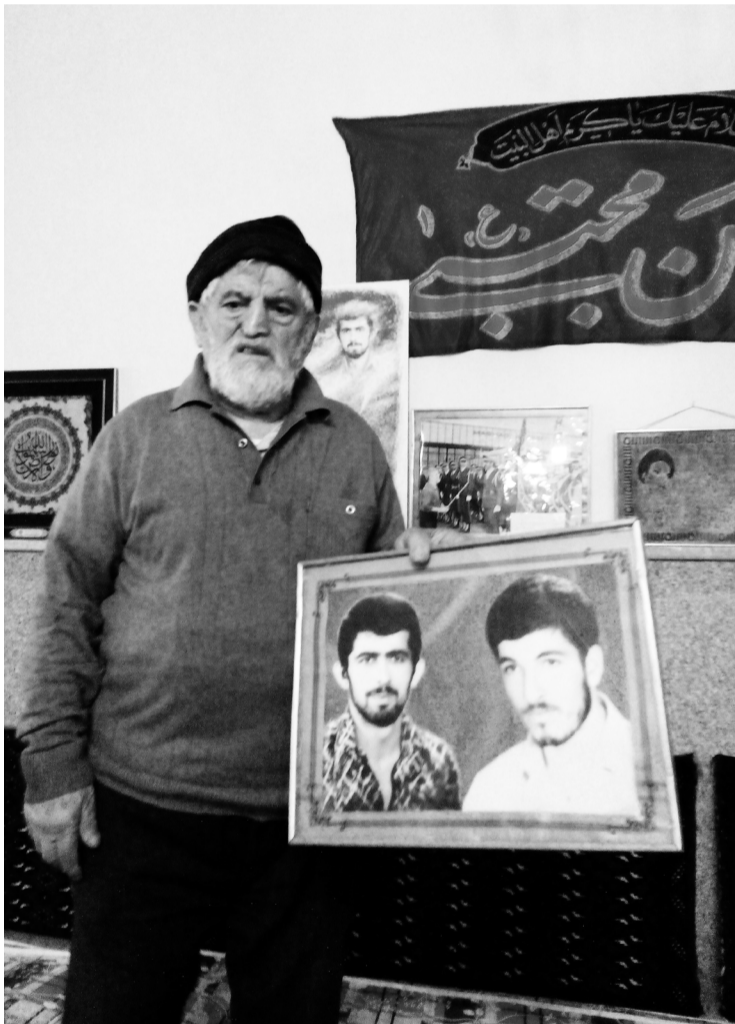
ایشان همچنین اشاره کردند که بیشتر نیروهای ساواک، افرادی بودند که دوران کودکی خود را در پرورشگاه هایی سپری کرده بودند که زیر نظر دربار اداره می شده و هزینه های جاری آن از محل بلیط های بخت آمیز و عواید قمارخانه ها، تأمین می شده است و این لقمه های حرام، قساوت قلبی را موجب شد که در تاریخ کم سابقه بود.

ایشان همچنین اشاره کردند که بیشتر نیروهای ساواک، افرادی بودند که دوران کودکی خود را در پرورشگاه هایی سپری کرده بودند که زیر نظر دربار اداره می شده و هزینه های جاری آن از محل بلیط های بخت آمیز و عواید قمارخانه ها، تأمین می شده است و این لقمه های حرام، قساوت قلبی را موجب شد که در تاریخ کم سابقه بود.

ایشان همچنین اشاره کردند که بیشتر نیروهای ساواک، افرادی بودند که دوران کودکی خود را در پرورشگاه هایی سپری کرده بودند که زیر نظر دربار اداره می شده و هزینه های جاری آن از محل بلیط های بخت آمیز و عواید قمارخانه ها، تأمین می شده است و این لقمه های حرام، قساوت قلبی را موجب شد که در تاریخ کم سابقه بود.

بیشتر نیروهای ساواک، افرادی بودند که دوران کودکی خود را در پرورشگاه هایی سپری کرده بودند که زیر نظر دربار اداره می شده و هزینه های جاری آن از محل بلیط های بخت آمیز و عواید قمارخانه ها، تأمین می شده است و این لقمه های حرام، قساوت قلبی را موجب شد که در تاریخ کم سابقه بود.

نصرا... می گفت: «یک جان دارم که می خواهم در راه اسلام فدا کنم و در آخرین عملیات خود هنگامی که قصد منهدم نمودن باشگاه شبانه افسران در شهر چالوس را داشت، به تصرف دژخیمان درآمده به درجه ی رفیع شهادت، نائل آمد.»



متدین سلب شود.

این انقلابی راستین، علت پیاده شدن برخی افراد سابقاً انقلابی از قطار انقلاب را لقمه ی حرام اعلام کرده، با تأکید بر اینکه ملاک و معیار انقلابی بودن، عمامه و تسبیح نیست جوانان را نسبت به خطر عمامه های انگلیسی و آمریکایی که به مثابه گرگ هایی در لباس میش هستند، انداز داده، افزودند: برخی روحانی نماها، عناصر نفوذی و آلت دست استکبار اند و نباید اصالت را به ظواهر داد بلکه باید به عملکردها توجه کرد و عمل آن ها را با اسلام سنجید. ما شخص پرست و عمامه-پرست نیستیم بلکه خدا پرستیم و حبّ و

ای کاش یک مدافع بودم...

بار الها!

تا کی پیکر پاک شهیدان مدافع حرم را بر دوش امت اسلامی ببینم و چونان کودکی که دستی کوتاه دارد و خرما بر نخیل (شهادت) را با حسرت به نظاره نشسته است آه از نهاد بر کشم و انگشت حسرت بگزم؟ پروردگارا!

تا به کی، ذکر لبانم جمله ای خطاب به شهیدان والامقام باشد که «یا لبتی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً» و تا کی نجوایم با تومزمه ی «اللهم ارزقنا الشهاده» باشد؟ آری، می دانم خواسته ام بس گزاف است؛ چیزی را طلب می کنم که ذره ای استحقاق آن را ندارم. اما ای کردگار متعال! مگر من لیاقت نعمت هایی که تا کنون بر من ارزانی داشته ای را دارا بوده ام که زین پس نیز در خور استحقاق خود از تو چیزی طلب نمایم؟ آیا به راستی چون منی، لیاقت اسلام و آن هم مذهب تشیع و خاصه تشیع ناب علوی (و نه نسخه های بدلی آن از قبیل انگلیسی، لبرالی و...) را داشته ام؟

جواب مسلماً منفی است؛ لیکن این «بزرگ نعمت» را بر من ارزانی داشته ای و ایضاً بسیاری دیگر از این قسم عنایات

آری ای پروردگارا!

تو نه با عدل، که با فضل با بندگانت رفتار می نمایی... تو همانی که امام صادق (ع) خطاب به تو می فرمود:

«یا من یعطی الکثیر بالقلیل...»

خودمانی بخواهم بگویم، تو به دنبال بهانه ای می گردی تا بنده ات را غرق در نعمت نمایی. پس توفیق ده تا این بهانه را محقق سازم.

اللهم الحقنی بقافله الشهداء...

محمدسعید ابراهیمی - حقوق ۹۲

اگر غلطی از آن ها سر بزند

«عزت امروز اسلام و مسلمین، ثمره ی خون شهداست.» امام خامنه ای (حفظه...) چندی پیش، حصر چهارساله ی نیل و الزهرا، با همت حاج قاسم سلیمانی و بارانش شکسته شد و سنگین ترین شکست بر پیکره ی تروریست های تکفیری وارد آمد.

این خبر، همچنان که موجبات شور و شفع شیعیان جهان را فراهم آورد؛ اما از دیگر سوی، کام دشمنان اسلام را تلخ نموده، آنان را سخت به تکاپو انداخته است.

خبرهای غیررسمی حاکی از آن است که ارتش عربستان در حال تجدید قوا با هدف مداخله ی نظامی در سوریه به منظور تغییر موازنه ی قدرت به نفع تروریست هاست. مقامات آمریکایی نیز مراتب ناخرسندی خود از اوضاع سوریه را اعلام کرده اند و چندان دور از ذهن نیست که ایالات متحده برای یکسره کردن کار دولت قانونی سوریه، تمام اشرار منطقه را علیه این کشور بسیج نماید.

بر کسی پوشیده نیست که هدف اصلی گروه های تروریستی و تکفیری، ایجاد هرج و مرج و ناامنی در ایران و تصرف اراضی کشورمان است و نبرد داعش با حکومت های سوریه و عراق یک جنگ نیابتی علیه ایران است که در آن، سوریه

به نوبت به نوبت با بندگانت رفتار می نمایی... تو همانی که امام صادق (ع) خطاب به تو می فرمود: «یا من یعطی الکثیر بالقلیل...» خودمانی بخواهم بگویم، تو به دنبال بهانه ای می گردی تا بنده ات را غرق در نعمت نمایی. پس توفیق ده تا این بهانه را محقق سازم.

محمدسعید ابراهیمی - حقوق ۹۲



اگر اینها (شهیدای مدافع حرم) مبارزه نمی کردند این دشمن می آمد داخل کشور... اگر جلوی او گرفته نمی شد ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استان ها با اینها می جنگیدیم و جلوی اینها را می گرفتیم.

تاریخ به ما می آموزد که حتی افرادی چون فرزندان حضرت نوح (ع) و امام هادی (ع) نیز به واسطه پیوند خویشاوندی با اولیاء... مصون از انحراف و لغزش نیستند و نمی توان به صرف اینکه ژنتیک این افراد اشته به است، استنتاج نمود که اینان اشته الناس به پدرانشان اند.

مشکل اینجاست که برخی آقایان کشور را ارث پدری خود پنداشته اند و افاضات یا به تعبیر صحیح تر افاضات خود را بر قانون مقدم می دانند و مادامی که قانون پایبند هستند که منافع آنان را تأمین نماید.

مروری بر شگردهای انتخاباتی و عملیات روانی

احزاب با اتهام ناصحیح و ناروا بودن قوانین نظارتی، سر و صدا راه انداخته و خواهان حذف این دسته از قوانین شده اند. برخی هم با اعلام نتایج بررسی صلاحیت ها و عدم احراز صلاحیت خود یا فرد مورد حمایت آن ها، به عملکرد شورای نگهبان که نهادی قانونی است حمله می کنند و مدعای خود را بر این استدلال بنا می کنند که میان فرد مزبور و بزرگان انقلاب قرابت نسبی وجود دارد. غافل از اینکه لزوماً ملازمه ای میان قرابت نسبی و فکری وجود ندارد و آنچه موضوعیت دارد سیره و سلوک خود فرد است. تاریخ به ما می آموزد که حتی افرادی چون فرزندان حضرت نوح (ع) و امام هادی (ع) نیز به واسطه پیوند خویشاوندی با اولیاء... مصون از انحراف و لغزش نیستند و نمی توان به صرف اینکه ژنتیک این افراد اشته به ژنتیک پدران گرامیشان استنتاج نمود که اینان اشته الناس به پدرانشان اند.

استدلال ضعیفی هستیم که برخی برای پیشبرد مقاصدشان، بدان متوسل می شوند. حمله ی برخی آقایان به شورای نگهبان و خدشه وارد نمودن به صلاحیت این نهاد، تا بدان پایه مضحک و پاسخ این شبهات به قدری میرهن است که هر کس اندک آشنایی با قانون داشته باشد پی به بطلان آن می برد، مشکل اینجاست که برخی آقایان کشور را ارث پدری خود پنداشته اند و افاضات یا به تعبیر صحیح تر افاضات خود را بر قانون مقدم می دانند و مادامی که قانون پایبند هستند که منافع آنان را تأمین نماید.

مشکل اینجاست که برخی آقایان کشور را ارث پدری خود پنداشته اند و افاضات یا به تعبیر صحیح تر افاضات خود را بر قانون مقدم می دانند و مادامی که قانون پایبند هستند که منافع آنان را تأمین نماید.

سیدآبتین نورانی - علوم سیاسی

در فرصت قبل پیرامون تکنیک های انتخاباتی صحبت کرده، به توضیح روش ثبت نام حداکثری و مانور مظلومیت پرداختم. حال در این شماره برآئیم به تبیین یکی دیگر از این شگردها بپردازیم.

۲- برداشت جناحی از قانون و حمله به نهاد های قانونی

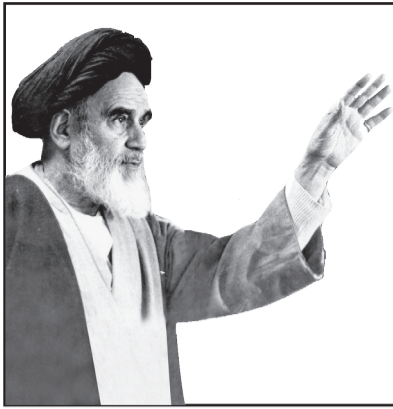
قوانین، توسط نمایندگان ملت وضع می شوند و هرکس هم که در وضع و اجرای قانون دستی بر آتش دارد به نوعی (مستقیم یا غیرمستقیم) منتخب مردم است و اینگونه قوانین، نشانه ای از اراده و حاکمیت مردم و قابل احترام می باشد. در نتیجه، پایبندی به آن از الزامات تداوم یک نظام دموکراتیک می باشد.

اما متأسفانه این قوانین برای برخی احزاب و جناح های سیاسی تا جایی مقبول است که به نفعشان باشد و در غیر اینصورت از طرف آن ها مورد هجمه واقع می شود.

برداشت جناحی، از دیگر روش هایی است که این گروه ها و احزاب سیاسی از آن برای بیرون راندن حریف از میدانگاه سیاست استفاده می کنند. در این میان برخی از اعضای این

احزاب با اتهام ناصحیح و ناروا بودن قوانین نظارتی، سر و صدا راه انداخته و خواهان حذف این دسته از قوانین شده اند. برخی هم با اعلام نتایج بررسی صلاحیت ها و عدم احراز صلاحیت خود یا فرد مورد حمایت آن ها، به عملکرد شورای نگهبان که نهادی قانونی است حمله می کنند و مدعای خود را بر این استدلال بنا می کنند که میان فرد مزبور و بزرگان انقلاب قرابت نسبی وجود دارد. غافل از اینکه لزوماً ملازمه ای میان قرابت نسبی و فکری وجود ندارد و آنچه موضوعیت دارد سیره و سلوک خود فرد است. تاریخ به ما می آموزد که حتی افرادی چون فرزندان حضرت نوح (ع) و امام هادی (ع) نیز به واسطه پیوند خویشاوندی با اولیاء... مصون از انحراف و لغزش نیستند و نمی توان به صرف اینکه ژنتیک این افراد اشته به ژنتیک پدران گرامیشان است، استنتاج نمود که اینان اشته الناس به پدرانشان اند.

البته این بدان معنا نیست که علامه! سیدحسن خمینی به مانند فرزند نوح، طریق ضدیّت با خط امام را در پیش گرفته است بلکه در مقام نقد



از آنجا که روشن شده است که شما این کشور و انقلاب اسلامی عزیز مردم مسلمان ایران را پس از من به دست لیبرال‌ها و از کانال آنها به منافقین می‌سپارید، صلاحیت و مشروعیت رهبری آینده نظام را از دست داده‌اید.

رنجنامه امام (ره) به آقای منتظری - ۶۸/۱/۶

عکس و مکاشفه



وقتی نام خمینی کبیر (ره)، تبدیل به پلکانی برای فرصت طلبان می‌شود...



بام؟
شیب؟
خط قرمز؟؟؟

تذکره الاشقیاء

۲- عبدالکریم سروش

«حسین حاج فرج ... دباغ» که بعد ها با نام مستعار «عبدالکریم سروش» شناخته شد، در آذرماه سال ۱۳۲۴ در یک خانواده طبقه متوسط در تهران به دنیا آمد. دباغ پس از گذراندن دوران دبیرستان، در دانشکده داروسازی دانشگاه تهران لیسانس داروسازی گرفت. دباغ در سال‌های ۵۴-۱۳۵۳ هجری شمسی عازم انگلیس شد و همراه با ادامه تحصیل در رشته شیمی تجزیه بیش از ۵ سال به مطالعه فلسفه غرب مخصوصاً در حوزه فلسفه تاریخ و فلسفه علم اشتغال یافت. سروش، در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، بی آنکه طعم واقعی مبارزه با استبداد را چشیده باشد و زندان، شکنجه و یا تبعید را تجربه کرده باشد، به ایران بازگشت و عاقبت طلبانه بر دریای خروشان انقلاب اسلامی موج سواری کرد.

از سروش مذهبی تا سروش ضد دین سروش دهه ۶۰:

در سالهای دهه شصت، سروش در نقش مبلغ دین و شارح متون دینی ظاهر شد. همچنین از غزالی و اخلاق و عرفان و احیای دین سخن گفت و در تقسیم بندی وی مجاهدین خلق هم در لیست احیای دین قرار می‌گرفتند. بسیاری، به او به چشم جانشینی برای دکتر شریعتی نگاه می‌کردند، اما این گونه نشد. زیرا وی با گذاشتن تیشه‌ای بر ریشه‌های تنومند تفکر شریعتی به گمان خویش آن را خاتمه یافته اعلام کرد.

سروش در لباس سیاست: در زمان اصلاحات، وی به سرعت از قالب معلم و مدرس و استاد به در آمد و رسماً لباس سیاست به تن کرد و سیاست نامه‌ها نوشت و در صدد ایفای نقش اپوزیسیون در سیمای فرهنگی شد.

تحلیل‌های پوپری مذهبی: حضور در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا فرصتی را به وی داد که بتواند در قالب شعارهای ستیز با تفکر رایج سنتی و به ظاهر منازعه با حاکمیت روحانیان به تحلیل‌های پوپری از مذهب بپردازد.

وحدی از منظر سروش وحی «الهام» است. این همان تجربه‌ای است که شاعران و عارفان دارند؛ هر چند پیامبر این را در سطح بالاتری تجربه می‌کنند. در روزگار مدرن، ما وحی را با استفاده از استعاره‌ی شعر می‌فهمیم. چنان‌که یکی از فیلسوفان مسلمان گفته است: وحی بالاترین درجه‌ی شعر است.

بنا به روایات سنتی، پیامبر تنها وسیله بود؛ او پیامی را که از طریق جبرئیل به او نازل شده بود، منتقل می‌کرد؛ اما، به نظر من، پیامبر نقشی محوری در تولید قرآن داشته است.

از دیدگاه سنتی، در وحی خطا راه ندارد. اما امروزه، مفسران بیشتر و بیشتری فکر می‌کنند وحی در مسایل صرفاً دینی مانند صفات خداوند، حیات پس از مرگ و قواعد عبادت خطا پذیر نیست. آن‌ها می‌پذیرند که وحی می‌تواند در مسایلی که به این جهان و جامعه‌ی انسانی مربوط می‌شوند، اشتباه کند.

مروری بر مواضع ضد دینی سروش: عبدالکریم سروش، روزنامه صبح امروز، ۷۸/۶/۱۶: در تعارض تکالیف دینی و حقوق بشر، حقوق بشر مقدم است؛ متأسفانه فقهای ما اطلاعات برون دینی ندارند و متوجه این نکات نیستند.

عبدالکریم سروش، زنان، ش ۵۹، دی ماه ۷۸: به نظر من گفتار فاطمه که بهترین زنان کسانی اند که «لایرین احداً و لایراهن» (و) رفتار او (فاطمه) در پنهان شدن از مقابل فرد نابینا نمی‌تواند الگوی رفتاری زنان ما باشد.

عبدالکریم سروش، کیان، ش ۵۲: در تاریخ جدید خدائی که مؤمنان کشف می‌کنند ممکن است با خدائی که گذشتگان کشف و تجربه می‌کردند متفاوت باشد. عبدالکریم سروش: اسلام نه احکام سیاسی، نه احکام اقتصادی و نه احکام حقوقی اش قابل استناد نیست و رسماً باید آن را بگذاریم. فرهنگ شهادت، خشونت آفرین است اگر کشته شدن آسان شد، کشتن هم آسان می‌شود.



در آینده‌ای نه چندان دور شاهد افزایش افاضاتی از این دست خواهیم بود...



ارتباط با ما

::: لطفا انتقادات، پیشنهادات و نقطه نظرات خود را با ما درمیان بگذارید :::

۰۹۳۸۲۲۳۹۹۷۴

ghalam313@chmail.ir